جلسه 34-660

**دو‌شنبه - 02/09/94[[1]](#footnote-1)**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

کسی که سه روز بدل هدی را روزه نگرفت تا ماه محرم شد، مشهور بلکه ادعای اجماع شده که صوم ساقط میشود از این شخص ووظیفه اش قربانی است در سال آینده، هم قاعده اولیه این اقتضاء میکند، چون صیام ثلاثة ایام في الحج، ظاهرش این است که در همان موسم حج که این آقا حج بجا میآورد سه روز روزه بگیرد، وسبعة اذا رجعتم، واین هم که روزه نگرفت در این ماه ذی الحجة، ضمنا لفظ ذی الحج در روایات صحیحه تفسیر شده به ماه ذی الحجه، حالا که روزه نگرفت دیگر بعد از ماه محرم روزه به درد نمیخورد، بله اگر ما بودیم میگفتیم حجش باطل است، ولی تسالم هست ونصوص هم میگویند کسی که صوم ازش ساقط بشود ولو به خاطر عصیان حجش باطل نیست، یتعین علیه الهدی للسنة القادمة مثل صحیحه منصور بن حازم، من لم یصم في ذی الحجة حتی یهل هلال المحرم فعلیه دم شاة، ولیس له صوم، ویذبحه بمنی، کسی که در ماه ذی الحجه روزه نگیرد، تا ماه محرم بشود باید قربانی بکشد، ولیس له صوم، دیگر صوم برای او مشروع نیست نه لیس علیه صوم، لیس له صوم، ویذبحه بمنی، این صحیحه منصور بن حازم حرفی از ثلاثة ایام بدل هدی نزده، ولی روشن است که آن صومی که در ماه ذی حجه میگیرند قبل از هلال ماه محرم همان صوم ثلاثه ایام بدل هدی است.

در مقابل این صحیحه منصور بن حازم ادعا میشود که ما دو طائفه دیگر از روایات داریم که با این صحیحه منصور بن حازم میشود سه طائفه، وباید بین این سه طائفه جمع عرفي بکنیم، این سه طائفه را عرض کنیم.

طائفه اولی آنی بود که دیروز مطرح کردیم که میگفت کسی که در مکه این سه روز را روزه نگرفت یصوم في الطریق او في اهله، ادعا شده بود در ذخیرة المعاد که این اطلاق دارد، صام في الطریق او في اهله، ندارد في شهر ذی الحجه، ولو في شهر محرم، پس اطلاق این طائفه اولی اقتضاء میکند که بعد از هلال محرم باز امر به صوم باقی است، صام في الطریق او في اهله.

طائفه ثانیه همین صحیحه منصور بن حازم است، من لم یصم في ذی الحجه حتی یهل هلال محرم فعلیه دم شاة ولیس له صوم، ویذبحه بمنی، این صحیحه میگوید بعد از ماه ذی حجه دیگر صوم ثلاثة ایام ساقط است، ونوبت میرسد به هدی.

طائفه ثالثه در خصوص ناسی است، صحیحه عمران حلبی عن رجل نسی ان یصوم الثلاثة الایام التی علی المتمتع اذا لم یجد الهدی حتی یقدم اهله قال یبعث بدم، دیگر صوم از او ساقط است ونوبت میرسد به قربانی، این صحیحه عمران حلبی در خصوص ناسی گفته است که قربانی بر او متعین است کسی که ناسی صوم ثلاثة ایام است وصوم از او ساقط میشود.

البته در این صحیحه عمران حلبی ندارد که تا اول محرم روزه نگرفت، ولی خوب قرینه لبیه دارد، اگر کسی فراموش کرد روزه بگیرد این سه را تا رسید به وطنش ولی در وطنش هنوز ماه ذی الحجه باقی است ومیتواند این سه روز را روزه بگیرد، این را که نمیگویند که یبعث بدم، هنوز وقت صومش باقی است.

بنا بر این حمل کردن این صحیحه را بر این که حتی یقدم اهله وقد اهل شهر المحرم، قال یبعث بهدی، بعد گفته شده که این طائفه ثالثه که در خصوص ناسی است صحیحه معاویه بن عمار را در طائفه اولی تخصیص میزند، آن میگفت یصوم في الطریق او في اهله، این میگوید: الا الناسي، بعد این که طائفه اولی فرض نسیان از او خارج شد، میشود اخص مطلق از طائفه ثانیه که صحیحه منصور بن حازم است، صحیحه منصور بن حازم را حمل میکنیم بر ناسي، این میشود نظر شیخ مفید، نظر منسوب به شیخ مفید، که گفت ناسی صوم ثلاثة ایام اگر تا آخر ذی الحجه روزه نگرفت در راه ودر وطنش روزه از او ساقط است ،وغیر ناسی روزه از او ساقط نیست ولو در محرم روزه میگیرد، تقریب این نظر با انقلاب نسبت صورت میگیرد.

مقدار حجیت طائفه اولی شد اخص در خصوص غیر ناسی، واخص مطلق شد از طائفه ثانیه که میگفت بعد از ماه محرم باید قربانی کرد.

محصل کلام صاحب ذخیره با تقریب اصولی این بود، ایشان میگوید حمل کنیم این طائفه ثانیه را بر ناسی وطائفه اولی را بر غیر ناسی، توجیهش همین انقلاب نسبت است، تقریب فنی کلام صاحب ذخیره این است.

مرحوم آقای خوئی فرمودند ما یک اشکال اساسی داریم که دیگر نوبت به این بحثها نمیرسد، یکی این که طائفه اولی در مقام توسعه زمانیه نیست، همین که دیروز عرض کرده، صام في الطریق او في اهله بشرطه وشروطه، فقط میگوئیم لایجب علیه ان یصوم في مکة، چون کاروان نمیماند مهم نیست، این سه روز را در راه یا در وطن روزه بگیر، ولی با شرائط دیگر، که یکی از شرائط دیگر این است ثلاثة ایام في الحج اي في ذی الحجة، کما این که شرط دیگرش تتابع است، وبسیاری از آنهائی که میخواستند به اهلشان برسند قبل از ذی الحجه میرسیدند، حدودا سه روز آخر ذی الحجة را کم کن، چهاردهم هم اگر از مکه حرکت میکردند، بیست وششم وبیست وهفتم میشود حدودا میشود دوازده سیزده روز، هشت روزش را تا مدینه میآیند، چهار روزش هم ممکن است جائی دیگر بخواهند بروند.

این طور نیست که بروند مدینه زیارت، بلکه از مکه میرفتن وطنشان، حالا یا یمن یا طائف یا مدینه ویا شهرهای دیگر.

این مطلب اول درست است وبا این مطلب مشکل حل میشود، دلیلی بر توسعه صوم تا ماه محرم نداریم، فقط الغاء ضیق مکانی میکند وتوسعه مکانی میدهد، توسعه زمانیه ازش استفاده نمیشود.

امام حسین علیه السلام که روز ترویه از مکه حرکت کردند دوم محرم رسیدند کربلا، حالا تند حرکت نکردن طول کشید، این طور حساب کنید از دوازده روز بیشتر میشود تا کوفه بیاید، اما لزومی نیست همه کوفه بیایند،صام في الطریق او في بلده بشرط این که شرائط دیگر صوم مراعات بشود از جمله این صوم ثلاثه ایام در ماه ذی حجه باشد، به ما چه ربطی دارد که اهل کوفه نمیتوانند از این حکم صام في بلده استفاده کنند.

غلبه که قطعا نیست که اکثر حجاج بعد از رسیدن محرم به وطنشان برمیگشتن، نه این طور نیست، خیلی از حجاج از مدینه بودند، امام صادق علیه السلام از مدینه بودند که این روایات از ایشان است.

اگر این طور باشد که غلب حجاج بعد از ذی الحجه به وطنشان میرسند ممکن است این مطلب عرفي باشد که اطلاق مقامی دارد، ونفرمودید که شرطش این است که ماه ذی الحجه تمام نشده باشد، اگر واقعا غلبه رجوع به بلد به این است که بعد از ماه ذی الحجه میرسند این اشکال خالی از وجه نخواهد بود، ولی ما غلبه را منکر هستیم.

 (مقرر: در تأیید استاد ممکن است گفته شود این روایت چون نبوی است ودر زمان پیامبر اسلام گسترش پیدا نکرده بود، ولذا روایت ناظر به مثل شهر کوفه نیست)

آقای خوئی فرموده است که دیگر مشکل حل شد، طائفه اولی در کار نیست که اطلاق داشته باشد نسبت به بعد از ماه ذی الحجه، وهمه روایات با هم موافق میشود، یصوم ثلاثه ایام في الحج اي في ذی الحجه، صحیحه منصور بن حازم هم میگوید اذا اهلّ شهر المحرم فلیس له الصوم وعلیه دم شاة.

اما اگر شما اصرار کنید طائفه اولی اطلاق دارد، حالا بحث میکنیم، میگوئیم نسبت بین طائفه اولی وطائفه ثانیه عموم وخصوص من وجه است، وانقلاب نسبت هم مشکل عموم وخصوص این ها را حل نمیکند.

ایشان فرموده است طائفه اولی کما مر سابقا مختص است به معذور، کسی که معذور بود در ترک صوم ثلاثه ایام در مکه، شامل متعمد نمیشود، من لم یستطع المقام بمکه، پس مختص شده طائفه اولی به معذور، المعذور عن صیام ثلاثة ایام بمکة بعد التشریق یصوم في الطریق او في اهله، این اطلاق دارد، سواء في ذی الحجه او في المحرم.

طائفه ثانیه که صحیحه منصور است از حیث معذور وغیر معذور اطلاق دارد، من لم یصم الثلاثة حتی اهل هلال المحرم، خوب این اعم است از معذور وغیر معذور، نسبت شد عموم من وجه، صحیحه منصور بن حازم از حیث معذور وغیر معذور اعم است ولکن صوم را منحصر کرد به صوم قبل از انقضاء ماه ذی الحجه، ولی از حیث معذور بودن این شخص وغیر معذور بودن او مطلق است، طائفه اولی از حیث این که صوم در ماه ذی حجه باشد یا در ماه محرم مطلق اند، ولی از حیث موردش مختص اند به معذور، در مورد معذوری که در ماه ذی حجه روزی نگرفت، معذور در ترک صیام ثلاثه بمکه، بعد ایام التشریق، مقصود این است، المعذور في ترک صوم ثلاثه ایام بمکه بعد ایام التشریق، گفت لایقیم علیه اصحابه، این معذور اگر فوت بشود از او صوم ثلاثه ایام در ماه ذی الحجه، اطلاق صحیحه منصور بن حازم شاملش میشود، میگوید لیس علیه صوم وعلیه دم شاة، اطلاق طائفه اولی که صحیحه معاویه بن عمار است شاملش میشود، میگوید صام في اهله ولو ماه ذی الحجه گذشت.

تعارض میشود بین اطلاق طائفه اولی واطلاق طائفه ثانیه که صحیحه منصور بن حازم میشود، مورد اجتماع میشود المعذور الذي ترک صوم ثلاثه ایام الی آخر ذی الحجه، صحیحه منصور بن حازم میگوید به اطلاقش لیس له الصوم، صحیحه معاویه بن عمار در طائفه اولی به اطلاقش میگوید صام في اهله، در این مورد اجتماع تعارض وتساقط میکنند، رجوع میکنیم به قاعده اولیه که میگوید صیام ثلاثه ایام في الحج، که در روایت صحیحه میگوید یعني في ذی الحجه.

انصافا آقای خوئی اینجا فنی صحبت کرده است ،ما هر چه فکر کردیم رخنه ای به استدلال کنیم نشد، تقریب تقریب دقیقی است، نسبت بین موضوعین عموم وخصوص من وجه است، آن روایت میگوید من فاته صیام مکه عن عذر، طائفه اولی، طائفه ثانیه که صحیحه منصور بن حازم است میگوید من ترک صوم الثلاثه حتی اهل شهر المحرم، این دو عنوان را بگذارید در مقابل هم، نسبت عموم من وجه است.

دو تا موضوع رئیسی نسبتشان عموم من وجه است، تو یک طرف بنویسید من ترک صوم ثلاثه ایام بمکه عن عذر، این موضوع صحیحه معاویه بن عمار است، موضوع صحیحه منصور من ترک صوم الثلاثه حتی اهل شهر المحرم، موضوع اول من ترک صوم ثلاثه ایام بمکه عن عذر بود سواء ترک الصوم الی آخر ذی الحجه ام لم یترک، اطلاق دارد، دو حصه دارد، یک حصه اش این است که ترک صوم هذه الثلاثه الی آخر ذی الحجه، الی أن اهل شهر المحرم، عنوان دوم من ترک صوم الثلاثة حتی اهل شهر المحرم، سواء کان فوت صیام ثلاثه ایام عن عذر او لاعن عذر، در مورد معذوری که من ترک صیام الثلاثه عن عذر وترک الصوم الی أن اهل شهر المحرم.

اطلاق صحیحه معاویه بن عمار در طائفه میگوید صام في اهله، که نتیجه اش میشود که صومش در ماه محرم هم باشد مهم نیست ،اطلاق صحیحه منصور میگوید لیس له صوم وعلیه دم شاة، تعارض میکنند در این مورد اجتماع وتساقط میکنند ورجوع میکنیم به قاعده اولیه که صیام ثلاثه ایام في الحج، که روایت تفسیر کرده است، یعني ذی الحجه، ونتیجه این میشود که قول مشهور درست میشود، حتی بعد از تعارض به عموم من وجه مرجع عام فوقانی میشود وقول مشهور درست میشود، که اذا اهل شهر المحرم لیس له صوم.

منتها آقای خوئی میفرماید یک گروه دیگر هم هستند، که لیس له صوم حتی قبل از انقضاء ماه ذی الحجه، آنها کسانی هستند که بدون عذر در مکه روزه نگرفتند، آنها اصلا مشمول طائفه اولی نبودند، اصلا صام في الطریق او في بلده شامل کسانی که معذور نبودند وعمدا صوم ثلاثه ایام را در مکه ترک کردند نمیشد، آنها همینکه از مکه بیایند بیرون، چون غیر معذور بودن دلیلی بر این که صوم در طریق یا در بلدشان بگیرند نداریم، ولی از آن طرف تسالم هست حالا که صوم ساقط است از اینها لعدم الدلیل حجشان باطل نیست وقربانی ساقط نمیشود، میگوئیم دیگر روزه نگیرند ولو ماه ذی الحجه باقی است وسال آینده قربانی بفرستند.

وممکن است بگوئیم اطلاق صحیحه منصور این ها را میگیرد، آنهائی که در ماه ذی الحجه دلیلی نداریم صوم في الطریق او في اهله میتوانند بگیرند، غیر معذورین، ماه محرم که شد، اطلاق صحیحه منصور بن حازم میگوید من ترک صوم ثلاثه ایام حتی اهل هلال المحرم فلیس له صوم، وعلیه دم شاة، ولو بلاعذر مصداق صحیحه منصور بن حازم بشود شخصی، اطلاق دارد، صحیحه منصور که مختص به معذورین نیست.

این فرمایش ایشان فرمایش تمامی است، فقط طائفه ثالثه را که ایشان ومرحوم سبزواری زدند به بعد از ماه محرم، برای ما خیلی واضح نیست، من نسي ان یصوم الثلاثة الایام حتی یقدم اهله، قال یبعث بدم، این ندارد که اهلّ هلال المحرم، این طائفه ثالثه اطلاق دارد، ولو قبل از هلال محرم، ولی به روایات دیگر باید تمسک کنیم، تقیید بزنیم، بگوئیم سائر معذورین وقتی فرصت داشتند تا آخر ماه ذی الحجه، احتمال ندارد که به ناسی بگوئیم تو آخر ماه ذی الحجه فرصت نداری، همینکه در مکه فراموش کردی روزه بگیری، ولو الآن 25 ذی الحجه است رسیدی به وطنت، یادت آمد فراموش کردی صوم ثلاثه ایام، نه دیگر، لیس لک صوم یبعث بدم، این خلاف متفاهم عرفي است که راجع به معذورین، قدر متیقن از روایات معذورین بودند، که صام في الطریق او في اهله، ولذا باید به قرینه منفصله باید طائفه ثالثه را حمل کنیم بر کسی که روزه نگرفت تا ماه محرم رسید، والا خود طائفه ثالثه اطلاق دارد في حد ذاته.

البته این را عرض کنیم معتقدیم طائفه اولی مختص به معذورین نیست، روایاتش مختلف بود، صحیحه معاویه بن عمار مختص به معذورین نبود، مطلق بود، وان لم یکن له مقام فان فاته صوم ثلاثه ایام في الحج ولم یکن له مقام، صام في الطریق او في اهله، قبلا هم عرض کردیم اختصاص به معذور ندارد شامل غیر معذور هم میشود، به طور مطلق میگوید صام في الطریق او في اهله، چه معذور باشد در ترک صوم ثلاثه ایام در مکه وچه معذور نباشد، اگر این طور بگوئیم مطلب روشنتر است، صحیحه منصور بن حازم مخصص خواهد بود، صحیحه منصور میگوید صام في اهله بشرط این که هلال محرّم داخل نشود، طبق بیان ما صحیحه منصور بن حازم میشود اخص مطلق از طائفه اولی، چون طائفه اولی به نظر ما مختص به معذورین نیست، ولی اگر مختص به معذورین بود فرمایشات آقای خوئی را فنی میدانیم.

آخرین مطلب از آقای زنجانی نقل شده صوم ثلاثة ایام وسبعة اذا رجعتم، یک امتیازی دارد وآن این که تلک عشرة کامله، باید صوم کامل بگیرید، از اذان صبح نیت بکنید، این جور نقل کردند، نمیشود قبل از ظهر بگوئید حالا من نیت صوم میکنم، این صوم کامل نیست.

ما نفهمیدیم چرا صوم کامل نیست، ظاهر ادله این است که نیت قبل از زوال شمس قائم مقام نیت قبل از طلوع فجر میشود، وظاهر ادله این است که نیست قبل از اذان ظهر مجزی است، وروایاتش هم مطلق است، ففیما بینک وبین ان تزول الشم، روایات مطلق است، وقتی ده روز را روزه گرفت میشود ده روز.

ومؤید کلام ما این است که ولتکلموا العدة هم داریم در قضاء ماه رمضان، در حالی که در قضاء میتواند قبل از اذان ظهر میتواند نیت کند، ممکن است ایشان بگوید در آنجا دلیل خاص داریم.

عشرة کاملة یعنی یک روزش هم کم نباشد.

 (مقرر: در روایتی کامل را معنا کردن: موسى بن القاسم عن محمد عن زكريا المؤمن عن عبد الرحمن بن عتبة عن عبد الله بن سليمان الصيرفي قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام) لسفيان الثوري ما تقول في قول الله عز و جل- فمن تمتع بالعمرة إلى الحج فما استيسر من الهدي فمن لم يجد فصيٰام ثلٰاثة أيٰام في الحج و سبعة إذٰا رجعتم تلك عشرة كٰاملة أي شي‌ء يعني بكاملة قال سبعة و ثلاثة قال و يختل ذا على ذي حجا إن سبعة و ثلاثة عشرة قال فأي شي‌ء هو أصلحك الله قال انظر قال لا علم لي فأي شي‌ء هو أصلحك الله قال الكامل كمالها كمال الأضحية سواء أتيت بها أو أتيت بالأضحية تمامها كمال الأضحية. ‌تهذيب الأحكام، ج‌5، ص: 41‌)

نکته دیگر این بحثی هست راجع به صحیحه منصور بن حازم من لم یصم في ذی الحجه حتی یهلّ هلال المحرّم فعلیه دم شاة، ولیس له صوم ویذبحه بمنی، بحث این است که علیه دم شاة این دم کفاره است ویا دم هدی است، اگر دم کفاره باشد که مختص نیست که ما ببریم سال آینده در ایام نحر در منی قربانی کنیم، کاشف اللثام استظهار میکند که این دم کفاره است، چون دارد من لم یصم في ذی الحجه حتی یهل هلال المحرّم فعلیه دم شاة، ظاهرا جزاء این ترک صوم میشود دم شاة، وظاهرش این است که این کفاره است، به خاطر ترک این واجب که صوم ثلاثه ایام بمکه است باید کفاره بدهد، کفاره اش قربانی کردن یک گوسفند، حجش صحیح است تکلیف صوم ثلاثه ایام في الحج را امتثال نکرد کفاره به گردنش آمد.

این استظهار ایشان که درست نیست، فوقش ایشان بگوید مجمل است، اما استظهار بکند این معنا را این وجهی ندارد، وبه نظر ما مجمل هم نیست، برای این که ظاهر این تعبیر که میگوید لیس له صوم، ودر کنار لیس له صوم میگوید علیه دم شاة، این ظاهرش این است که حالا که بدل ساقط شد به خاطر این که شرط بل صیام ثلاثة ایام في الحج است، وظیفه بر میگردد به همان مبدل، ظاهرش این است، آقای داماد فرمودند ما هم تردید داریم، نه تردید نداشته باشید، استظهار عرفي این است که صوم ندارد دم شاة دارد، این ظاهرش این است که بدل چون شرطش ماه ذی الحجه است ساقط میشود ونوبت به مبدل میرسد، وقرینه دیگر این است که دارد ویذبحه بمنی، ظاهرش این است که یذبحه بمنی في ایام النحر، والا ذبح به منی چه خصوصیتی دارد، عرفا یذبحه بمنی یعني یذبحه بمنی في ایام النحر في السنة القادمة.

بعید نیست که ظهور صحیحه این باشد، یک روایتی داریم در سنن بیهقی نقل کرده از پیامبر، که من ترک نسکا فعلیه دم، اگر سند این روایت خوب بود ما ملتزم میشدیم دو تا گوسفند باید این شخص بکشد، یکی به خاطر هدی حج، یکی به خاطر این که ترک کرد صوم واجب را، هم کفاره میدهد به خاطر ترک این صوم واجب، اگر متعمد باشد، جاهل وناسی نباشد، یا مضطر نباشد، متعمد باشد، چون مضطر وجاهل وناسی کفاره ندارد، ویک گوسفند قربانی حج هم باید سال دیگر بکشد به ظهور صحیحه منصور بن حازم ،ولی چون سند این روایت تمام نیست، همان صحیحه منصور بن حازم بس است که استظهار ما این است فعلیه دم شاة یعني دم هدی حج.

395من لم یتمکن من الهدی ولا من ثمنه وصام ثلاثة ایام في الحج ثم تمکن منه وجب علیه الهدی علی الاحوط

این مسأله خوبی است که نزاع است بین مشهور ومرحوم آقای خوئی، بحث مهم علمی هست ان‌شاءالله فردا بررسی میکنیم.

1. ماتن این درس: آقای سید حسن روحبخش. [↑](#footnote-ref-1)